

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از : مرحوم فیض محمد "عاطفی"

فرستنده : نازی نور "عاطفی"

30 آگست 2012

بستر خواب عاطفی

شب که شدم جانب بستر روان
زیر لحاف از همه عالم نهان
لشکر خمیازه تعرض کنان
کرد مرا بی خبر و ناتوان
تنبل و بی حال و زبونم نمود
خسته و سودازده بسودم بسی
داشتم آزرده‌گی از هر کسی
لشکر غم، غصه دلواپسی
نوحه زنان نعره کنان ناگهان
آمد و از حلقه برونم نمود
دیده به گرداب تحیر فتاد
دل ز تیش روزن دیگر گشاد
خواب به صحرای عدم رخ نهاد
گوش به آهنگ اجل همعنان
مغز مهیای جنونم نمود
دوره ماضی همه آفتزده
عرصه عالم همه ظلمت‌زده
صحنه آینده فلاکت‌زده
بی اثر گردش این اختران
طرفه در این چاه نگونم نمود
گرچه دل افتاده به خون تا گلو
رفت به کانون فلاکت فرو
رهبر او آیه لا تقنطو
هست دلی کثرت سوز نهان

وسوسهٔ نفس فــــــزونم نمود
خواب کجائی که صدایت کنم
لشکــــــر غم را بفدایت کنم
از همه آفــــــاق جدایت کنم
گیرمت ای خواب در آغوشِ جان
زانکه غم و غصه حزونم نمود

تذکر:

"لاتقنطو" یعنی "نومید مشوید" در رسم الخط عربی به تبعیت از رسم الخط قرآنی "لاتقنطوا" نگاشته میشود، که درین منظومه بخاطر رعایت لفظی "قافیه" در زبان دری، بدون الفِ آخر و در هیئت "لاتقنطو" آورده شده است.